

بالابلندتر از هر بلندبالایی

جی. دی. سلینجر

ترجمه شیرین تعاونی (خالقی)



انتشارات نیلوفر

درباره نویسنده

جی. دی. سلینجر^۱، نویسنده منزوی و در عین حال محبوب آمریکایی، در سال ۱۹۵۱ با انتشار رمان *ناطور دشت*^۲ به شهرت می‌رسد—رمانی که بلافاصله با اقبال نسل جوان آمریکای پس از جنگ جهانی دوم روبرو می‌شود. پس از *ناطور دشت*، سلینجر رمان دیگری انتشار نمی‌دهد و آثاری که در این سالها از او منتشر می‌شود بیشتر داستانهای کوتاه و بلندی هستند که مضامین و شخصیت‌هایی مرتبط و مشترک را در بر می‌گیرند. اغلب این داستانها بر محور افراد خانواده خیالی «گلس^۳» دور می‌زنند.

سلینجر در ۱۹۵۳ مجموعه نه داستان را منتشر می‌کند که تسلط او را بر زبان محاوره قشر متوسط آمریکایی، شخصیت‌پردازی چندوجهی، و طنز قوی نشان می‌دهد. بجز یکی دو داستان این مجموعه، بقیه با حوادث زندگی و شخصیت‌های خانواده گلس سروکار دارد. تا سال ۱۹۶۱ کتاب مستقلی از سلینجر منتشر نمی‌شود. در این سال *فرنی و زویی*^۴، حاوی دو داستان بلند و به هم پیوسته، را انتشار

1. J.D. Salinger

2. *Catcher in Rye*

3. *Glass*

4. *Franny and Zooey*

می‌دهد که قبلاً در مجله ادبی نیویورکر چاپ شده بود. این کتاب، که هنوز هم در فهرست پرفروشترین و پرخواننده‌ترین آثار ادبی آمریکا قرار دارد، به بحران‌های روحی و معنوی کوچکترین فرزند خانواده گلس می‌پردازد. در ۱۹۶۳ سلینجر کتاب دیگری با عنوان بالابتدای از هر بلندبالایی و مقدمه‌ای بر سیمور^۱ منتشر می‌کند که باز هم حاوی دو داستان بلندی است که پیشتر در مجله نیویورکر به چاپ رسیده بود. محور اصلی این دو داستان، زندگی و مرگ تراژیک سیمور گلس، ارشد-یا در واقع «مرشد»- فرزندانی خانواده گلس، است که از زبان بادی^۲ گلس روایت می‌شود. بسیاری از منتقدان، بادی گلس را «خودِ دیگر» سلینجر خوانده‌اند. بخش دیگری از ماجراهای خانواده گلس نیز با نام هپورث ۱۶، ۱۹۲۴^۳ در ۱۹۶۵ در مجله نیویورکر منتشر می‌شود. از این پس، سلینجر بکلی از صحنه نشرکناره می‌گیرد. هر چند تا به امروز داستان دیگری از او منتشر نشده است، گزارشها حاکی از آن‌اند که وی کماکان به نوشتن ادامه می‌دهد.

واکنش منتقدان نسبت به آثار سلینجر در طول زمان متفاوت و گاه متناقض بوده است. هیچ نویسنده‌ای از دهه ۱۹۲۰ به بعد، یعنی دوران اسکات فیتزجرالد و ارنست همینگوی، نتوانسته است همانند او اذهان عمومی و منتقدان را به خود مشغول دارد. شاید بخشی از این پدیده به امتناع او از شرکت در گفت‌وگوهای مربوط به آثار خودش برمی‌گردد. چراکه سلینجر نه در گردهمایی‌ها شرکت می‌کند،

نه سخنرانی می‌کند، و نه- جز در مواردی بسیار استثنایی- تن به مصاحبه می‌دهد. با اینکه کاراکترهای خیالی و ساخته و پرداخته ذهن او مدام مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند، شخصیت نویسنده و خالق آنها خود در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

سلینجر پس از انتشار ناپور دشت تماس خود را با همگان قطع می‌کند و تمام کوششهایی را که برای رخنه به زندگی خصوصی او صورت می‌گیرد ناکام می‌گذارد. در ۱۹۸۷ ایان همیلتون^۱، با تلاش بسیار و با استفاده از نامه‌های خصوصی او و بر مبنای مصاحبه‌هایی با افراد مختلف، زندگینامه سلینجر را گردآوری می‌کند ولی سلینجر موفق می‌شود حکم توقیف آن را بگیرد. لیکن در ۱۹۸۸، همیلتون زندگینامه‌ای جدید از سلینجر را با عنوان در جستجوی جی.دی. سلینجر منتشر می‌کند که بررسی نسبتاً جامعی را از زندگی و آثار نویسنده بدست می‌دهد.

انزواطلبی سلینجر بسیاری از مسائل مربوط به زندگی خصوصی او را مبهم و مجهول گذاشته است- هر چند که داستانهای او پاره‌ای از رویدادهای زندگی‌اش را منعکس می‌کنند. در مجموع، آنچه که از زندگی سلینجر برای ما آشکار است بطور خلاصه چنین است: سلینجر در ۱۹۱۹ در شهر نیویورک پا به جهان می‌نهد و همچون فرزندان خانواده خیالی گلس محصول ازدواج پدری یهودی با مادری ایرلندی و کاتولیک است. در منطقه اعیان‌نشین منهتن^۲ بزرگ می‌شود و به مدرسه دولتی می‌رود. به گفته همیلتون، دوران

1. *Raise High the Roof Beam, Carpenters; and Seymour, An Introduction*

2. Buddy

3. *Hapworth 16, 1924*